

ترس "فراگیر" از حقیقت

به تاریخ ۱۵- فبروری - ۲۰۰۹م، خروج نیروهای نظامی اتحاد شوروی سابق از افغانستان، وارد بیستمین سال خود شد. نگارنده به ارتباط این رویداد چشم‌دیدها و خاطرات خود را زیر عنوان [«دکتور نجیب الله و خروج نیروهای نظامی شوروی از افغانستان»](#)، در شماری از سایتهای انترنیتی به نشر سپردم. با تأسف، که نوشته من با واکنش شدید و بیمورد گروهی که خود را "شورای اروپایی نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان" مینامد، مواجه شد، که [اعلامیه‌ی را به تاریخ ۲۵- فبروری ۲۰۰۹م](#). در مورد آن صادر نمودند. در حالی که در نوشته من حقایق و رویدادهایی بازتاب یافته است، که مردم، رهروان و علاقه‌مندان جنبش چپ دموکراتیک کشور به آگاهی یافتن از آن نیاز مبرم داشتند و دارند.

از این که انتشار نوشته من، با مصاحبه‌ء اخیر سلیمان لایق در کابل در یک زمان تصادف نموده است، "هیئت اجراییهء شورای اروپایی نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان" از آن انتباه نادرست گرفته و خواسته است، نوشته‌ء مرا با مصاحبه‌ء مذکور ارتباط بدهد و چنان پنداری را برانگیزد، که گویا در زمینه‌ء نشر همزمان این نوشته و آن مصاحبه تفاهمی وجود داشته است. در حالی که نوشته من و مصاحبه‌ء سلیمان لایق از لحاظ شکل و محتوا هیچ نوع ارتباطی باهم ندارند و نیز به صراحت خاطر نشان می‌سازم که هیچ نوع تفاهمی در میان نبوده و نشر همزمان آن دو کاملاً یک امر تصادفی بوده است.

اما، پرسش اساسی این است، که "هیئت اجراییه نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان"، چرا در برابر نشر چشمدیدها و خاطرات من این گونه واکنش از خود تبارز داده است و با داد و فریاد به اصطلاح "حالت اضطرار" و دستور "هوشیارباش" را در سازمان مذکور اعلان و صادر نموده است؟! در حالی که در نوشته من، نی کسی مورد حمله قرار گرفته و نی به کسی تهمت شده و نی از کسی انتقاد شده است.

حتی، به آدرس "نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان" کدام اشاره بی هم صورت نگرفته است. اگر نام برخی از شخصیت‌های سابقه دار حزب در نوشته من آمده است، به ارتباط همان رویداد مشخص بوده است، که به هیچ وجه به معنای نقد و بررسی گذشته سیاسی آن‌ها در نهضت چپ دموکراتیک کشور نمیباشد و نباید بیان رویدادها و چشمدیدهایم، به حیث خصومت شخصی من با آن‌ها تلقی گردد.

از موضعگیری نشرشده "نهضت فراگیر. . ." چنین استنباط میشود، که برخی عناصر در آن عادت کرده اند، که مانند گذشته با هر مسأله بی با استفاده از شیوه استبداد رای برخورد نمایند، با آنکه بیشتر از دهسال از اقامت شان در جوامع اروپایی میگذرد، ولی، تاهنوز هم فرا نگرفته اند، که چگونه باید در برابر قضایا و حقایق مطابق به معیارهای قبول شده جوامع مذکور برخورد نمایند.

اعضای سابق حزب و جوانان مترقی در افغانستان حق دارند، که سابقه داران، حقایق را در اختیار شان قرار دهند، تا آن‌ها درسهای لازم را از

جنبش چپ دموکراتیک کشورِ شان فرا گیرند. هر عضو سابق حزب حق دارد، در مورد گذشتهء حزبی که در آن عضویت داشت و بخشی از سالهای عمر خود را به خاطر تحقق آرمانهای آن وقف کرد، از چند و چون رویدادهای واقع شده در حزب و کشورش مطلع گردد. متأسفانه از محتوای اعلامیهء "نهضتِ فراگیر...". برمی آید، که برخی افراد در رهبری آن هنوز هم با ذهنیت تک روی و انحصارطلبی دیروز، تحمل شنیدن حقایق را ندارند و عادت کرده اند، تا از خطِ قرمزی که تعیین میکنند، کسی پا را فراتر نگذارد و اگر کسی جرئت این کار را به خود بدهد، با به کار بردن کلمه های کلیشه یی و تهوع آور، از قبیل مشکوک، معلوم الحال، بدسابقه و غیره زیر شلاقِ اتهامهای بی اساس قرار داده شوند.

خنده آور این که، در اعلامیه تذکر رفته، که نوشتهء مذکور «به هدایت کدام مرجع» تهیه شده است.

گمان میکنم، این آقایان هنوز هم از تکیه بالای "مرجع" درس نگرفته اند و باز هم در فکر "مراجع تقلید" دیگری هستند.

ضرورت زمان خلاف اراده و میل آن ها حکم میکند، که گذشتهء حزب با استفاده از شناختی که پس از وقوع رویدادها حاصل میشود، اصولاً بایستی مورد ارزیابی قرار بگیرد و حقایق، ولو برای برخیها هر قدر تلخ و ناخوشایند هم باشد، باید به مردم گفته شود. امروز همه شاهد هستیم، که نیروهای عقبگرا و تاریک اندیش هر روز و به هر مناسبت جعلها و دروغهایی را در رابطه به نهضتِ چپ گذشته به خورد مردم میدهند و برای پوشاندن جنایتها و فجایعی که مرتکب شده اند و معامله های پس پردهء شان، مسؤولیت هر

حادثه را در کشور به دوش نیروهای مترقی و به خصوص حزب وطن و سلف آن (ح.د.خ.ا.) می اندازند.

در چنین حالتی نباید اجازه داد، که جعلهای آن ها جای حقیقت را بگیرد و مردم به دروغهای آن ها باور کنند. مسلماً، که حقایق بایستی گفته شود و مطمئناً که گفتن حقایق نی تنها به جنبش صدمه نمیزند، بل که آن را مستحکمت و نیرومندتر میسازد.

امیدوارم، "هیئتِ اجراییهء شورای اروپایی نهضتِ فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان" تمام جوانبِ نوشتهء من را با دیدِ واقعبینانه و با مغز سرد، مطالعه و ارزیابی نموده، از پیشداوریها و قضاوتهای عجولانه و جانبدارانه پرهیزد. با روشن شدن حقایق دست از پا خطا نکنند و تحمل شنیدن آن را داشته باشند. در غیر آن، تعقیبِ روشهای حقیقت ستیزی، چنانکه "رهبری نهضتِ فراگیر" اکنون به آن مصروف است، یقیناً این گروه را تبدیل به کدام "حزبی" نخواهد ساخت، چه رسد به این که به یک "نهضتِ فراگیر" مبدل گردد.

20.03.2009

www.ayenda.org

«دکتر نجیب الله و خروج نیروهای نظامی شوروی از افغانستان»

[اعلامیه هیأتِ اجراییه شورای اروپایی نهضتِ فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان](#)